



مبانی نظری مسئله ملی



داکتر نجیب الله مسیر

درجهان کنونی درگیری های قومی و ملی ویا درگیری های ارزش ها و هویت ها در روند قومی سازی و ملی سازی مناسبات سیاسی بین المللی به امر مهم و تعیین کننده یی تبدیل شده اند. این مشکل بیشتر در دولتهای حوزه شرق مصداق عملی دارد. تضادها و درگیری های قومی در کشورما نیز بخش جدا ناپذیر این فرایند اجتماعی است. مناسبات دراماتیک و آهنگ ناخوشی که بین اقوام کشورما وجود دارد پیامد تئوری و پراتیک ناکار آمد حاکمیت های گذشته پیرامون مسئله ی ملی میباشد. پیش از این بحث در اطراف مساله ملی بسیار مبهم بود، تحلیل و برداشت شماری از فعالان سیاسی و صاحب نظران در آغاز دهه چهارم سده ی کنونی در سطوح مختلف جامعه کمتر درک میشد. از آن زمان تا اکنون وضعیت مملکت ما طوری بوده است که، یا نظام ازسوی بیگانه ها تعیین می شده است ویا گاهی یک قوم دولت ساز درحاکمیت بوده و دیگران را در خود مستحیل مینموده است. از این سبب بحث مساله ملی تا سطح مساله اقوام تنزیل یافته است. بنابراین دلیل گوناگونی هویتها و قومیتها از توجه بدور نگهداشته شده و مشکلات مردم در برابر نظام و نظام سازان لاینحل مانده است.

برخی از مناطق کشور برای حکومت‌های مرکزی و مردمان مناطق دیگر تاهنوز ممنوع الورد و غیر قابل نفوذ باقی مانده اند. درین مناطق فقط رهبران قومی و قبیلوی هم در گذشته و هم در حال حاضر حکمرانی میکنند. آنها قوانین دولت و نفوذ حکومت مرکزی را هرگز نپذیرفته اند ولی در تعیین سرنوشت نظام نقش اساسی را ایفا کرده اند. باتوجه به این اندیشه چنین بنظر می رسد که، در واقع سالهاست کشور به یک کنفدراسیون اقوام و قبایل شباهت پیدا کرده است.

نظریه سیاسی و حل مسئله ملی

در رابطه به مسئله ملی، سیاست حاکمیت های ایدیالوژیک بر مبنای ایدیالوژی و فتوای روحانیون و همایش های بزرگ حزبی بوده است. در حقیقت دولت‌های پیش از امروز مساله ملی را کاملا یک موضوع اخلاقی و فرعی و ضمنی خوانده اند. حکومت‌های چپ به طرح مساله ملی باور نداشتند و همه امور را در حل مسایل طبقاتی میدیدند. چیزیکه امروز پس از گذشت سالها هم در سطح نظر و هم در زمینه عمل شدیداً دچار تغییرات فراوانی شده است.

چون فلسفه سیاسی کنونی بیشتر پراگماتیک عمل میکند، بنابراین دنباله رو سیاست میباشد. این فلسفه سیاسی در رابطه به آنچه گفته شده، اعلام گردیده و یا واقع شده است، بدینگونه منفعل میگردد: نخست شعارهای سیاسی سرداده میشوند و سپس بر بنیاد دانش سیاسی تفسیر میشوند. در واقع فلسفه سیاسی بجای وابستگی ایدیالوژیک محدودیت های سیاسی پیدا کرده و بیشتر از سایر دانش ها در اسارت روزگاران، بدکنشی های روزمره و خودنمایی های ژورنالستیک درآمده است. فلسفه سیاسی دهه اخیر قرن بیست از دل بازار بیرون آمده است. یکی از ویژگی های این بازار زدگی در مناسبت به مسئله ملی همانا مغالطه مفاهیم قوم و ملت میباشد؛ سیاست ناسیونالیسم قومی بر اساس همین استفاده ناجایز و درک غلط استوار میباشد. این مغالطه نه تنها در سطح اصطلاح ناسیونالیسم، بلکه در مقیاس اندیشه سیاسی نیز برای اهل نظر بسیار روشن نیست. بسیاری از روشنفکران افغانستان هنوز نسبت به مساله ملی برخورد واقعی و آگاهانه نکرده اند. در حال حاضر محافل روشن فکری

دوبرخورد منقطف درزمینه ملت دارند؛ اولی مفاهیم کهنه را بامحتوی جدید؛ بخاطر تحلیل وتوضیح واقعیت های دگرگون شده بکار می بندد و دومی تلاش می ورزد تا با حفظ محتوی و مفاهیم کهنه به بررسی واقعیت های نو بپردازد. این بررسی و برداشت با دانش جامعه شناسی سیاسی در کشورهای روبه رشد و توسعه نیافته انطباق کامل دارد. براساس برخورد اولی ملت یک ساختار مصنوعی (ساختگی) بوده، ایجاد میشود و از آن استفاده ابزاری صورت میگیرد. چنین برخورد بنام تئوری پسامدرن ملت که در واقع دربرگیرنده ی نسبت، مصنوعیت و ابزاریت میباشد، یاد می گردد. برخورد دومی ملت را مشارکت تاریخی، زائیده شده، ذاتی و بنیادی دانسته و چنین می پندارند که این مشارکت به گونه ی طبیعی بوجود می آید. این برخورد بیانگر ناسیونالیزم مشهود قومی بوده و خواستار ایجاد دولت تک قومی میباشد؛ اندیشه اش برین بنیاد استوار است که ملت بر بنیاد قوم بوجود میاید و در طول تاریخ به چنان شکل ساختاری خود توفیق می یابد که بنام دولت ملی یاد میشود. سیاست های قومی را در امتداد تاریخ میتوان مانند یک روند طبیعی - سیاسی درک کرد و فهمید؛ طبیعی بودن به مفهوم آن است که اتنوس ها به طور خودجوش بوجود می آیند، میشگفند و پژمرده می شوند، روی همدیگر اثر می گذارند و یگ دیگر را کنار می زنند. سیاسی بودن این درک به این معنی میباشد که تلاش های صورت میگیرد که به روند خودجوشی ها نظم ببخشند و آنرا دیگرسازی نمایند و قوم را در قالب فراقومی و ملی بریزند. متکی بر اینکه بنیاد تئوریک سیاست ملی و قومی را کدام اندیشه تشکیل میدهد، دو وریانت گشایش روند سیاسی در مناسبت به ملت ها و اقوام امکان پذیر میباشد. در وریانت تحمل و شکیبایی دیالوگ میان اقوام متکی بر اصل "مانند ما است - مانند ما نیست"، و به قول معروف بیگانه همسفری نیست که امروز بیاید و فردا برود بلکه همسفری است که امروز میاید و فردا هم میباشد، و در حالت عدم شکیبایی و تحمل دیالوگ میان اقوام متکی به "خود - بیگانه"، "خودی ها - خوب اند، بیگانه ها - بد اند"، "ازما - بهتر است" استوار است.

در دنیای امروزی دودیدگاه در مورد ملت خیلی جلب توجه نموده است:

• ملت قومی

• ملت شهروندی

ملت قومی به مثابه یک مقوله قومی - فرهنگی ، مشارکتی است که ریشه های تاریخی و طبیعت جنیتیک و ویژه گی های ناشی از آن دارد؛ تئوری وپراتیک ناسیونالیزم قومی ازهمین برداشت سربلند کرده و درمیان اشکال رادیکالیزم راست (جریان اجتماعی - سیاسی که متوجه دولت سازی براساس اصل فرهنگی - قومی بوده و بخاطر تثبیت هژمونیت اجتماعی قوم "هسته" یا قوم "فرادست" یا "ملیت دولت ساز" بکارگرفته می شود) لانه دارد.

ملت تک قومی یا ملت اتنیکی جولانگاه نخبگان سیاسی قومی میباشد. ناسیونالیزم قومی واژه ی زیبایی است که دراروپا وکشورما مود شده است ولی پیامد آن فاشیزم میباشد. ناسیونالیزم تک قومی درجوامع کثیرالاقوام درحقیقت خود منشأ ظهورپدیده ی فاشیزم فرهنگی دردنیای مدرن است.

هرگاه همه اقوام دارای دولت های ملی تک قومی باشند پس درجهان باید 5000 دولت بجای 200 دولت ملی بود. درقرن بیست یک حق ملل درتعیین سرنوشت خویش نه برای ملت های تک قومی بلکه برای ملت های همشروندان برسمیت شناخته شده است. لازم خواهد بود تا صاحبان اندیشه دررابطه با ترویج مفهوم ملت تک قومی بسیار محتاط باشند. اگرقوم به شکل طبیعی بربنیاد فرهنگ بهم جوش می خورد، ملت بیانگروحدت اجتماعی وسیاسی میباشد که پیش زمینه ی موجودیت جامعه ی شهروندی را درمناسباتش با دولت مطالبه میکند؛ به گونه ای که منافع دولت وجامعه شهروندی باهم مطابقت داشته باشد، یا اگر دقیقتر بگوییم منافع هر دو یکسان میباشد.

هرکجا جامعه شهروندی است آنجاملت است - ملت به مفهوم مجموعه ی ازساختارهای شهروندی ودولتی که شهروندان آنرا به مثابه مظهراراده و منافع خود ایجاد میکنند. ملت به مفهوم شهروندی آن نه زمینه بلکه پیامد رشد جامعه ی شهروندی میباشد. رشد ملت به مفهوم شهروندی آن توام با جامعه ی

شهروندی زمینه را برای تحمل وشکیبایی درگفتمان میان اقوام وایجاد هویت
واحد ملی دریک جامعه ی چندین قومی مساعد میسازد.